



حقیقت انقلاب ثور

ارگان کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

پنجشنبه ۱۷ - امداد ۱۳۶۴

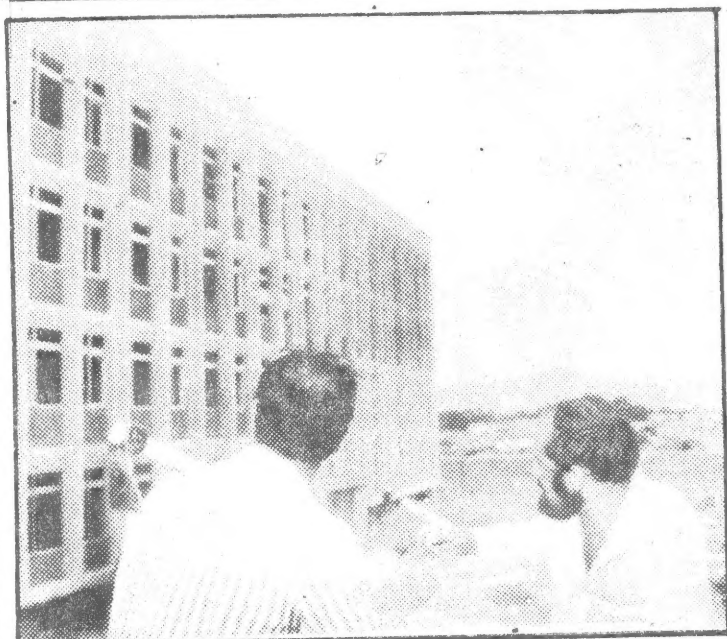
August 8, 1985.

سال پنجم شماره ۲۸۸

شماره مسلسل ۱۱۹۹

سال تأسیس ۱۳۵۹

رویداد های وطن



اعمار ساختمان جدید

کار ساختمانی پروژه در سال ۱۳۶۴ با سرعتی بسیار بالا در حال انجام است. در این پروژه که به منظور ایجاد فضای مناسب برای فعالیت های فرهنگی و اداری است، تاکنون حدود ۸۰ درصد از کارهای ساختمانی به پایان رسیده است. در این پروژه که به منظور ایجاد فضای مناسب برای فعالیت های فرهنگی و اداری است، تاکنون حدود ۸۰ درصد از کارهای ساختمانی به پایان رسیده است.

ایجاد کتابخانه

کتابخانه جدید در یکی از محله های شهر به بهره برداری رسیده است. این کتابخانه که به منظور افزایش سطح آگاهی و تفریح شهروندان ایجاد شده است، دارای مجموعه وسیعی از کتب و مجلات است. این کتابخانه که به منظور افزایش سطح آگاهی و تفریح شهروندان ایجاد شده است، دارای مجموعه وسیعی از کتب و مجلات است.

تهدا بگذاری سیفون آبیاری

با اعمار سیفون آبیاری بختیاران ولسوالی ده سبز که دیروز تهدا بگذاری گردید، سطح آبیاری در این منطقه به میزان قابل توجهی افزایش یافته است. این اقدام که به منظور بهبود شرایط آبیاری و افزایش بهره وری در بخش کشاورزی انجام شده است، مورد استقبال اهالی منطقه قرار گرفته است.

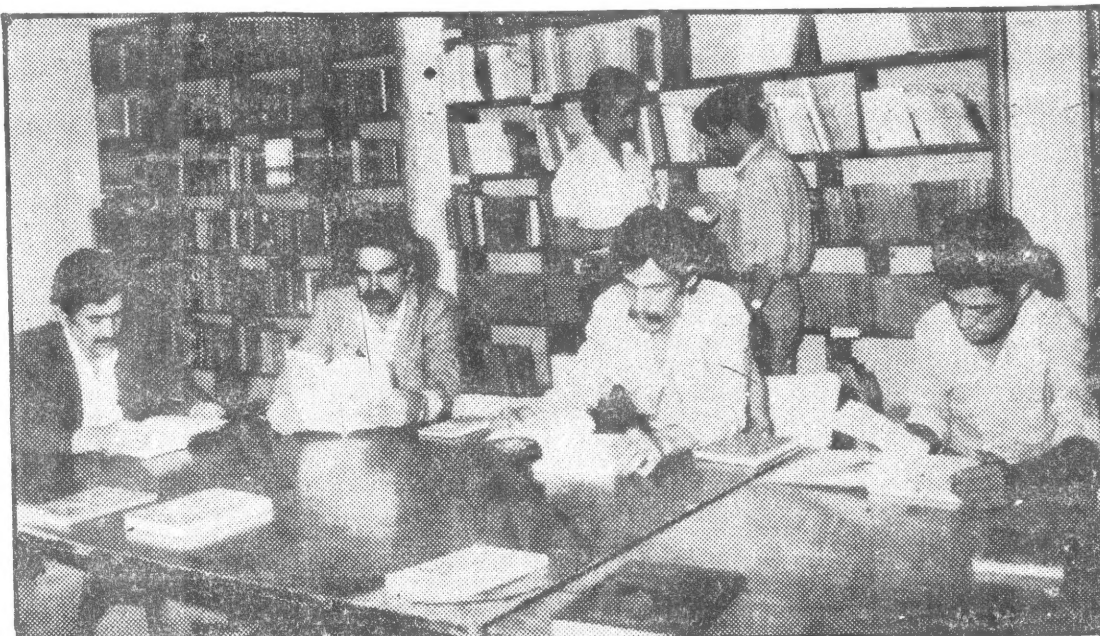
سیستم آبیاری بختیاران با طول ۶۰ متر تحت نظر کارشناسان فنی و مهندسی به پایان رسیده است. این سیستم که به منظور بهبود شرایط آبیاری و افزایش بهره وری در بخش کشاورزی ایجاد شده است، دارای تجهیزات مدرنی است که به منظور افزایش بهره وری در بخش کشاورزی ایجاد شده است.



رفیق ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا. و رئیس شورای انقلابی ج.د.ا. حین دیدار با هیئت نماینده های جوانان شرکت کننده در دوازدهمین فستیوال جهانی جوانان و محصلان. عکاسی هاشم نذیر

فستیوال مسکو مظهر روشن همبستگی و دوستی میان خلق ها

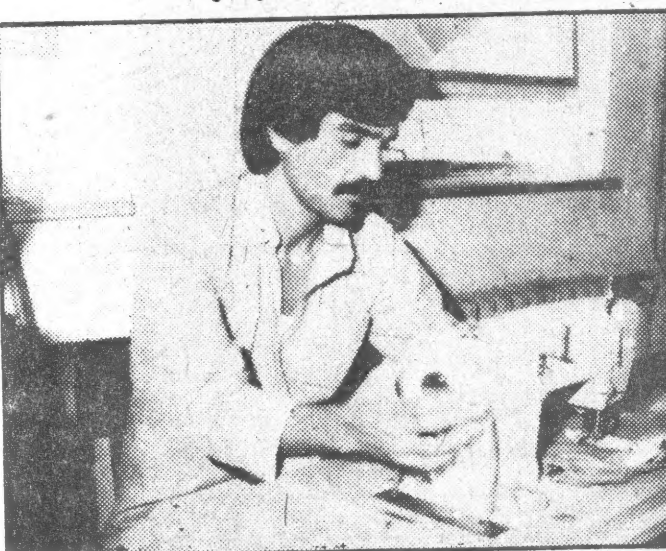
فستیوال مسکو که به منظور تقویت همبستگی و دوستی میان خلق ها برگزار شده است، در این باره به عنوان یک رویداد مهم در تاریخ فرهنگ و هنر جهان شناخته می شود. این فستیوال که به منظور تقویت همبستگی و دوستی میان خلق ها برگزار شده است، در این باره به عنوان یک رویداد مهم در تاریخ فرهنگ و هنر جهان شناخته می شود.



نقش طبقة كسارگر افغانستان در تحولات انقلابی (ص ۲)

قلب های بزرگ در مرکز کوچک

از هنگامی که در دفتر روزنامه به من گفتند، تا گزارش از شفاخانه احيای مجسد معلولين تهیه نمایم. مرا نوعی وسواس فرا گرفت، که تا این دم از آن رها نشده ام. زیرا در اینجا نه با فضای ساده و معمولی همانند هر گوشه و کنار شهر بلکه با فضای انباشته از خاطرات و حکایت های دلیرانه و فداکارانه و مردان قهرمان و جسور انقلاب روبرو میشوی.



اخبار خارجی و اقامت ها، حصادات

گيري در مخالفت با نژادپرستی به هیجان آمدند. اعتراض علیه مشی واشنگتن پرواز طیارات از یوکندا. در فلیپین در اعتراض علیه مشی واشنگتن مینی بر میدل ساختن فلیپین به یک پایگاه سلاح های پنتاگون دایر نمودند.



روزنامه هیو مانتی چاپ فرانسه پررنگ نگاشته که دوازدهمین فستیوال جهانی جوانان و محصلان مؤید آن بوده که نسل جوان به ارزش های جهانی قبول شده ارج می گذارد. روزنامه می افزاید که جوانان پنج قاره جهان درین فستیوال از کلمات صلح، همبستگی، انکشاف، سهم

فستیوال مسکومظهورروشن همبستگی ودوستی میان خلق ها

(بقیه صفحه اول)

رفیق بېرک کارمل از سازمان دموکراتیک جوانان و جوانان افغانستان اظهار سپاس نموده تصدیق سپردند که آرمانهای فستیوال را به میان جوانان برده و صدای فستیوال را بگوش جوانان کشور خواهند رسانید.

رفیق بېرک کارمل بعد از استماع گزارش های مربوط به دوازدهمین فستیوال جوانان و محصلان در مسکو و اشتراک هیات نمایندگی جوانان افغانستان در آن فستیوال بصورت همه جانبه صحبت کرده نخست از جانب کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان بازگشت پیروز - مندا نه هیات نمایندگی جوانان افغانستان را شاد باش گفته و جهات کار، ملی و انتر نال - سیونالستی جوانان را مشخص ساختند.

رفیق بېرک کارمل خطاب به جوانان افغانستان شرکت کننده در دوازدهمین فستیوال جوانان و محصلان در مسکو گفتند:

به نمایندگی از کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان بخوا طر انجام شایسته وظیفه انتر ناسیو - نالستی و شرکت فعال تان در دوازدهمین فستیوال جوانان و محصلان در مسکو

بشما شاد باش میگویم. شرکت در فستیوال مسکو شما امکان داد با جوانان قاره های مختلف و کار و مبارزه آنها آشنا شوید. شما از فستیوال مسکو بسیار چیز ها آموخته اید. بر شما ست که مفکوره های نهفته در اسناد فستیوال را ب میان جوانان و مردم ببرید و در باره اینکه فستیوال مسکو مظهر روشن همبستگی و دوستی میان خلقها و مارش نیرومند علیه جنگ، زور - گویی وستم بود مردم و جوانان را در همه جا آگاه سازید.

رفیق بېرک کارمل افزودند: شما در جریان فستیوال در مین لنین، در مسکو زیبا مدرسه عالی سیاسی راسپری نبوده شما با کار های قهرمانانه و دستاوردهای بزرگ خلق شوروی آشنا شدید و دیدید که جوانان شوروی فرزند ندان قهرمانان انقلاب اکتوبر و جنگ کبیر میهنی با چه روحیه عالی سرشار از ایدئالهای بشر دوستی و صلح در تحت رهبری حزب لنین می رزمند و کار میکنند.

رفیق بېرک کارمل گفتند: در بیانیه رفیق میخائیل سرگیویچ گرباچف منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمونسنت اتحاد شوروی در مراسم افتتاح فستیوال مسکو یکبار دیگر سیاست صلح -

دو ستانه و انسانی اتحاد شوروی تبارز یافت همان طوریکه رفیق میخائیل گرباچف گفتند هدف اساسی و جوهر سیاست اتحاد شوروی را ایجاد جهان بدون جنگ و تامین صلح در جهان تشکیل میدهد. بیان این نیست صادقانه در چهلین سالگرد غلبه بر فاشیسم هتلری و ملتاریزم جاپان از اهمیت خاصی بر خوردار است. انتشار اعلامیه رفیق میخائیل سرگیویچ گرباچف در مورد اینکه از تاریخ ششم اگست مصادف با چهلین سالروز بمبار دمان وحشیانه اتسی امریکا بر هیرو شیما، اتحاد شوروی تمام ازمایشات اتمی خود را بصورت یک جانبه قطع میکند یکبار دیگر نیت صلح خواهانه اتحاد شوروی را با برداشتن گام عملی ثابت ساخت. این اقدامات که در جریان فستیوال مسکو انجام شد به فستیوال غنا و اهمیت بزرگی بخشید، حکم بشریت است که دیگران نیز از این نمونه پیروی کنند.

رفیق بېرک کارمل گفتند: شما در جریان فستیوال شاهد همبستگی گسترده جوانان جهان با انقلاب افغان - نستان بودید شما دیدید که ما در سراسر جهان دوستان فراوانی داریم که از سیاست حزب دموکراتیک خلق افغان - نستان و دولت جمهوری

دموکراتیک افغان نستان در جهت ساختمان جامعه عادلانه نوین پشتیبانی میکنند. شما طی روز های فستیوال یکبار دیگر معتقد شدید که لطیف ترین دوستان ما اتحاد شوروی و خلقهای کشور های سوسیالیستی اند. رفیق بېرک کارمل علاوه کردند: مادر هر دیندار باشما جوانان نیرویی تازه ملی یابیم، ما در سیمای شما نمایندگان دلاوران عرصه های نبرد و کار را می بینیم که قهرمانانه از انقلاب دفاع میکنند و در راه ساختمان جامعه عادلانه نوین می رزمند. حزب و مردم از شما جوانان می طلبند که در همه جانبه های عالی کار، آموزش، تقوا و اخلاق باشید و همیشه در صف مقدم دفاع از وطن و انقلاب قرار داشته باشید.

درین لحظات دشوار وطن و مردم از شما می طلبند که جانبازانه در راه دفاع از میهن، سترگانه سرحدات وطن و تحکیم و گسترش قدرت دولتی بر زمین، در احیای اقتصاد ملی کشور در تمام عرصه ها در صف مقدم باشید. در امر کمک به مردم، احیای بیسودی و فعالیت خستگی ناپذیر در عرصه های اقتصاد ملی نمونه باشید. رفیق بېرک کارمل افزودند: من بشما اطمینان میدهم که حزب و دولت از شما جوانان، از برایم

های بان و کار سازمان تان سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان مواظبت جدی و دایم بر سر می آورند. شما به متابعی نیروی اساسی ساختمان جامعه می نگریم و هر چه در توان داریم بعمل می آوریم که این نیرو سالم، شاد و آگاه باشد.

رفیق بېرک کارمل در اخیر صحبت بیان گفتند: بگذار تبلیغ مفکوره های فستیوال به یکبارچگی هر چه مستحکمتر جوانان مابه دور حزب دموکراتیک خلق افغان - نستان و قدرت انقلابی خدمت کند. بگذار هر پیشاهنگ، هر عضو سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان و هر جوان در امر ساختمان جامعه نوین سهم هر چه فعالتر گیرد. در ختم صحبت رفیق بېرک کارمل که در هر قسمت با کف زدنها، دادن شمار ها و ابراز احساسات پر شور انقلابی بدرقه میشد گروه هنری جوانان افغان نستان بخشی از کنسرت های شانرا که در فستیوال ۱۲ مسکو تقدیم داشتند بحضور رفیق بېرک کارمل اجرا کردند.

ملاقات و دیدار دوستانه رفیق بېرک کارمل با هیات نمایندگی جوانان افغانستان در فستیوال محصلان و جوانان منقذ مسکو که ساعت شش شام آغاز شد تا حوالی ساعت هفت و نیم شب دوام کرد.



آینده به جوانان تعلق دارد. آنها این نکته را به نیکی می دانند و امروز در جهات گونه گون کار و مبارزه به طرز جانبازانه و خلاقانه سعی و تلاش میورزند. در عکس: میرویس یکتی از کارگران شاپ میخانیک فلز تصدی جنگل که اختراع عضویت س. د. ج. را دارند عضو گروپ گاردان موسسه می باشد. عکاسی ح. ن.

توزیع سند ملکیت زمین

به ادامه تطبیق مرحله دوم اصلاحات دموکراتیک ارضی و توزیع عادلانه آب اخیراً یکصد و نود و هشت قطعه سند رسمی ملکیت زمین به دهقانان بی زمین و کم زمین قریه سالیق مر بسوط علاقه داری مردیان ولسوالی آقچه ولایت جوزجان توزیع گردید. کار تطبیق مرحله دوم اصلاحات دموکراتیک ارضی و آب که به تاریخ اول سرطان سال ۱۳۶۳ در علاقه داری مردیان مربوط ولسوالی آقچه جوزجان آغاز یافته بود با سهم گیری وسیع دهقانان با سرعت ادامه داشته و تا حال یک هزار و هفتصد و پنجاه خانوار دهقانان کم زمین و بی زمین علاقه داری اسناد رسمی ملکیت زمین را بدست آورده اند.

همچنان طی همین مدت در علاقه داری مردیان ولسوالی آقچه ولایت جوزجان طی سال گذشته یک تیف زراعتی مجدداً فعال گردیده و یک کوپرا تیف زراعتی جدید نیز در آن علاقه داری گشایش یافته است. با ختی

زنده باد انقلاب ملی و دموکراتیک نور که کلیه زحمتکشان را در امر اداره امور دولت سهم میسازد

تدویر جرگه وسیع قومی

نمایندگان و مسوولان قری مختلف ولایت لوگر، پیروز طلیک جرگه وسیع قومی از تصامیم لو پیر جرگه تاریخی و با اهمیت استقبال کرده آمادگی شانرا در تحقق قانون ارگانهای محلی و قدرت اداره دولتی ابراز کردند در این جرگه که نمایندگان قری با بوس، شلوک، پیار خیل، درک قلعه، مبدوال نوری، بهرام خیل، دهنه زرد کلی و سر سنگ اشتراک ورزیده بودند بعد از تلاوت چند آیت از کلام الله، والی لوگر روی اهداف لو پیر جرگه تاریخی جمهوری دموکراتیک افغانستان که در شرایط حساس تاریخ کشور بخوا طر اتخاذ تصامیم سر نوشت ساز تدویر یافت صحبت نموده ضمن توضیح قانون ارگانهای محلی قدرت و اداره دولتی اشتراک نمایندگان منتخب مردم در ارگانهای دولتی و شوراهای محل علاوه کرد اهمیت سیاسی ایجاد سیستم ارگانهای محلی قدرت و اداره دولتی که یکی از دست آورد های بزرگ انقلاب نور محسوب میشود در آن است که نمایندگان مردم بر اساس انتخابات آزاد و علنی در تنظیم امور سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی محل حصه میگیرند و مسوولانه با قضا یای مربوط بر خورد می نمایند. در این جرگه قومی حاجی خان محمد و حاجی حفیظ الله به نمایندگی از اشتراک کنندگان جرگه صحبت نموده ضمن ابراز هر نوع آمادگی در تامین صلح و امنیت در مناطق مختلف لوگر وعده دادند که تا پای جان در تحقق و تطبیق فیصله های لو پیر جرگه سرنوشت ساز مبارزه خواهند کرد.

باجتی

نقش طبقه کارگر افغانستان در تحولات انقلابی

بزرگ جنبش جهانی طبقه کارگر است، پیوسته انقلاب ما و زحمتکشانی ما از همبستگی پرو لتری طبقه کارگر جهانی برخوردار بوده است و این همبستگی همیشه در اقدامات ملی و بین المللی توسط نمایندگان طبقه کارگر کشور های جهان ابراز میگردد، طبقه کارگر سایر کشور ها که در شرایط ترور و اختناق بسر می برند ویا اینکه مورد تجاوز قزاقی گیرنده نظیر نیکاراگوا، گرنادا، افریقای جنوبی، اندونیزیا، بریتانیا، کبیر، ایران، پاکستان، ترکیه و غیره از پشتیبانی کارگران مابور خور دار اند و این حمایت از طریق تدویر محافل کلکتیف های همبستگی و ارسال پیام ها و معاونت های پولی ابراز میگردد.

کارگران و زحمتکشانیما یکجا با کارگران کشور های برادر سوسیالیستی در پیش آن زحمتکشانی برادر کشور برادر شوراهای به منظور جلوگیری از خطرات جدی و تجاوزات امپریالیزم در راس امپریالیزم امریکا که با اتحاد شیوه های شانناز و غیر مسوولانه تملین بشریت و سرنوشت آنها مورد سوال قرار داده است می رزمند و تحقق پیشنهادات صلحجویانه اتحاد شوروی را موافق به مصالح زحمتکشانی دانسته و می طلبند که همه دست به دست هم داده و از آن پشتیبانی بیدریغ بنمایند.

ستار پردلی

رئیس شورای انقلابی ج. د. افغانستان را یکار می بندند که هرگاه کارگر و زحمتکش ما با این روحیه کار نماید که اگر امکان باشد از یک کیلو گرام مواد خام، از یک افغانی پول، از یک کیلووات برق و غیره هزارم حصه آنرا صرفه جویی کرد. ممکن این موضوع در دیداول جز بی نظر آید هرگاه در مقیاس، یک کلکتیف، یک کارگری کاندیدان خویش را در حوزه های انتخاباتی معرفی نمودند.

کارگران پیش از کشور قانون ارگانهای محلی قدرت و اداره دولتی و قانون انتخابات ارگانهای محلی مردم جمهوری دموکراتیک افغانستان را در کلکتیف های خویش در جلسات عمومی و کنفرانس های اتحادیوی مورد بحث قرار داده و روی کاندیدان خویش مذاکره کردند. و هم تطبیق قانون را به حیث یک جشن بزرگ ملی با سپردن تعهدات برای کار بیشتر تجلیل نمودند و این پروسه ادامه دارد.

کارگران مین پر افتخار ما در کار لو پیر جرگه تاریخی مردم ج. د. افغانستان که برای بار اول نمایندگان آن به طور دموکراتیک انتخاب گردیدند و بخصوص که تعداد یاد نمایندگان خود کارگران و زحمتکشانی در ردیف اول قرار داشتند اشتراک فعال نمودند. بتاسی از هدایات ماه اسد سال

وزراعتی به مثابه دارایی خویش دفاع نمود و تاکنون توطئه های دشمن را در کابل، بغلان و بعضی ولایات دیگر خنثی ساخته و عمال دشمن آن را دستگیر و به ارگانهای امنیتی تسلیم داد. اند، علوات کارگران قهرمان ما در پاک سازی های متعدد مناطق کشور از لوث ضد انقلاب قهرمانانه شرکت ورزیده و دشمن را نیست و نابود نموده و سهم مستقیم در تامین زندگی صلح آمیز کشور داشته اند و عده هم جانهای شیرین خویش را به خاطر زندگی آرام و رفاه خلق ما از دست داده اند.

حزب دموکراتیک خلق افغانستان و دولت مابخاطر پیروزی و بهبود زندگی زحمتکشانی بر نامه های مین اقتصادی روی دست دارد، تا مین زندگی شرافتمند و بهبود شرایط کار زحمتکشانی در صدر وظایف ما قرار دارد، طبیعی است که این آرمان بدون موجودیت یک اقتصاد نیرومند بر آورده نمی گردد.

کارگران کشور تعهدات در قبال کار می سپارند، روحیه صرفه جویی را تعمیم بخشید و به نوآوری ها و ابتکارات دست می یازند. آنان در برابر خود شعار «پلان دولتی قانون انجام آن وظیفه و کار بالاتر از پلان افتخار است، قرار داد موافق فرموده رهبر خود رفیق محترم بېرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی ج. د. ج. و

زحمتکشانی کشور در تحولات و کارگرونی های اجتماعی و به پیروزی رسد نین نمایان انقلاب نور بی باکان به پیش می تازند و اکنون با سرعت چشم گیری در همه عرصه ها اعم از اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در تحت رهبری پیشوای انقلاب یعنی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و پیشاهنگ طبقه کارگر و کلیه زحمتکشانی کشور گام های متین بر می دارند.

طبقه کارگر افغانستان با وجودی که جوان بود و از لحاظ کمی رشد چندانی نداشت اما مگر دارای تاریخ پر افتخار مبارزه بود و پیوسته نقش خویش را در تحت رهبری پیشاهنگ خویش حزب دموکراتیک خلق افغانستان به مثابه طبقه رسالتمند پیروز مندانه ایفا نموده است.

طبقه کارگر کشور اکنون در دو جبهه کار و یکار می رزمند. جبهه اول تقوییه صفوف قوای مسلح قهرمانان و پایان بخشیدن به جنگ و وحشیانه که توسط امپریالیزم، در راس امپریالیزم ایالات متحد امریکا، همونیزم چین، ارتجاع نظامیگر پاکستان، ارتجاع منطقه بر علیه ما بر اه انداخته شده است. کلکتیف های کارگری، گروپ های دفاع خودی را سازمان داده و از موسسات صنعتی، خدماتی، ساختمانی

قلب‌های بزرگ در مرکز جک

(بقیه ص اول)

آنست تا معلولین رادو باره به جامعه تقدیم نماید. در اینجا رشته های تاپستی، تیفون، تخنیک، رادیو و تلویزیون، موسیقی، خیاطی و کلدوزی وجود دارد. رشته عمده آن تخنیک ارتو پیدی می باشد. که به ساختن دست و پای مصنوعی، بوت های طبی، سامان آلات کبکی و فین یوتراپی مشغول است. ما تنها طی سال گذشته ۲۷۹ عضو مصنوعی برای معلولین ساخته ایم. علاوه بر آن گروه های از معلولین راه اتحاد شوروی، آلمان، دموکراتیک، بلغاریا، چکوسلواکیا و پولیند برای گرفتن دست و پای مصنوعی می فرستیم. همچنان در اینجا کتابخانه، اتاق ورزشی و زیبایی اندام و آواز خوانی وجود دارد. بخاطر توسعه این مرکز قرار دادی با کشور دوست اتحاد شوروی به امضاء رسیده است که مرکز با گنجایش دو صد بستر با تمام وسایل آن در کابل ساخته شود.

اینجا استراحتگاه موقتی کسانی است که در سنگرهای رزم انقلابی در لحظه های بزرگ تاریخ انقلاب ما در حالی که با مرگ فاصله کمی داشته اند در راه پای افشردن بر ارمان کبیر خلق، پرچم پیکار را بر صلابت و محکم بردوش گرفتند. و در این راه اعضای بدن شان را از دست دادند بسوی دفتر رئیس بر می گزید. جوانی با چوب دست نزدیک میزش ایستاده و مدالی بر سینه دارد. رئیس شفاخانه برای دیدار و آشنایی با معلولین راهنمایان میکند. از اولین لحظات احساس میکند انقلاب با من حرکت میکند. با تورن عبدالحمید آشنا می شوم. او - پای راستش را در محاربه با دشمن از دست داده است. چنان با خونسردی و آرامش صحبت میکند که بجای ترحم و دلسوزی غرور انسان را فرا میگیرد. و این غرور همانا از سیمای جوان اوست که می طرود و بر انسان تاثیر میگذارد.

در اینجا به هراتاتی که نظر کنید چنین غرور حکمفرماست. پایس دی و شکوه است. که با ندها ای این است. ختمان کوچک را در گرفته است. تورن حمید در سال ۱۳۵۸ - از حربی پوهنتون فارغ شده تا سال ۱۳۵۹ در غند راکت و پس از آن در ولایت بلخ و طیفه اجرا کرد. همیشه وظیفه انقلابی داشت و در دفاع از انقلاب وظیفه اش را به سر میرساند. به راستی اینچنین در مبارزه و نبرد انقلابی بودن جان های شیفه، راه مردم را می طلبد که بدون خستگی با قلبی مالا مال از امید ها و آرزو های ترس و جسور بمبارزه ادامه دهند. باید از خا طرات قبر مانی اوزیاد شنید و اینکه چگونه همدوش رزم آوران صادق و کم توقع و همراه با سربازان خود در پیچ و خم دره ها و کوه های میهن دشمن را از پا در آورده است.

تورن حمید از جریان مجروحیت قصه میکند. از لحظاتی که قلبش در فاصله مرگ و زندگی می تپید. به راستی هرگز نمی توان لحظات میان مرگ و زندگی را فراموش کرد می گوید: «(سه ماه در شفاخانه بستری ماندم. مهربانی و خوبی دکتر هارگر فراموش نمی شود. بعد از سه ماه تداوی وقتی به خانه رسیدم رفیقی که همراه با من بود مرا بالای دست گرفته بود. پدر،

مادر و زنم که تا این لحظه از جریان حادثه بی خبر بودند شروع به گریه نمودند. اما من زیاد دلداری شان دادم. عصر همان روز زنم از غصه زیاد مرد اولین طفلسم در آن موقع ۴ روزه شده بود. با وجود آنکه پنج برادر من در راه دفاع از انقلاب شهید شده اند مرگ زنم برایم زیاد غم انگیز بود. در همین لحظات چهره غمیده او در نظرم مجسم است. من پس از دو ماه استراحت در خانه دوباره به شفاخانه برگشتم که پس از تداوی کامل از آنجا آمدم و اکنون در این مرکز انتظار دارم تا پایی مصنوعی بگیرم.

باید از خا طرات حبیب زیاد نوشت. زیرا این خاطرات و حکایات هانمونه ای است، از خاطرات و حکایات های قهرمانان بانام و گمنامی که بی سرو صدا حماسه می آفرینند. قلب پرشوری که بی باک در راه آرزو های بزرگ بتپد اگر با دست و پا چشم را از دست دهد، هرگز از تپش باز نمی ماند. این قلب باید بتپد و وجود را به کار و مبارزه فراخواند. آری اگر دست یا پا نیست این قلب پر شور وجود دارد. باید در راه آرمان حزب رزمید و از پانه ایستاد و با همین اعتقاد است که او در میان دلیران همانند خودش که بر بستر افتاده اند به کار فعال سیاسی-ایدیو لوژیک مشغول است. او طی مدت کوتاه (۷) نفر دلیر رزمنده را در این مرکز به حزب معرفی نموده است. او خوب ترین کتابها را برای معلولین توصیه مینماید. از این میان بیشتر از همه کتاب چگو نه فولاد آبدیده شد. را. من از لابلای حرف ها و خاطرات حبیب به کار های حزبی اش بی بردم و دانستم که او خود نیز عضو حزب است. ضمنا حبیب در رشته تخنیک اور توییدی این مرکز شروع به فرا گیری کرده است. تا بتواند با دستان خود برای معلولین دست و پای مصنوعی بسازد. او عضو کورس موسیقی این مرکز که استاد رحیم بخش آنرا رهبری مینماید نیز است.

به دشواری از چو کی بر میخیزد. با من یکجا به اتاق های دیگر می رود. در اتاق شماره (۱) بالای بستر محمد یوسف میزوم که انفجارمین نو کران امیر یا لیزم پا یش را قطع نموده. از جا های زیادی که برای سر کوب دشمن رفته است منجمه از توره بوره نام می برد. او از سر با زان فرقه (۱۱) نگر هار و از دلیران محاربه توره بوره است. میگوید: «(ما می یست دشمن را از علاقمندی دانگام و لئسوا ای اسمار بیرون میرا ندیم. باید علاقمندی فعال میشد، که مو فقا نه آنرا فعال ساختیم در راه رفتن به پوسته مینی را که دشمن زیر خاک گذاشته بود. زیر پایم انفاق نموده. یک پا را قطع ساخت. رفقایم مرا از کوه به علاقمندی و از آنجا به شفاخانه و لئسوالی آسمار آوردند. ساعت (۲) شب به هوش آمدم. من برای فایم گفتیم نا راحت نباشید مرا هیچ چیز نشده. زنده هستم و فقط پا یم قطع شده. جوانان بهتر از من در راه انقلاب شهید شده اند. در این مرکز بین رفقای ما این رو حیه وجود دارد که آرزو دارند بعد از گرفتن پا باز هم به سنگر بروند. شاید شما این حرف را باور نکنید. رفیق محمد مسلم و رفیق جمال صاحب منصب فرقه (۱۸)

پس از گرفتن پا با وجود داشتن سند معا فیت دو باره به قطعه برگشتند. «) به اتاق دیگر میرویم. غلام رسول را به من معرفی میکنند. سیمای شاد و بسیار جوانی را رو برویم می بینم. که روز های دشوار، سرما و گرمای دشت ها و کوه ها و از دست رفتن پای راستش، پای که با آن بار ها به تعقیب دشمن بر داخته و همزمان را یاری کرده، نتوانسته است طراوت و تازه گی را از او باز گیرد. تبسم شیرین و صمیمانه را حتی هنگامی که خا طرات تلخ را باز گو میکند، رها نمی سازد. قاب بزرگی از عکس خود و رفقایش را با لای چپر کنش به دیوار آویخته است و روی میز کوچک کنار بسترش گل های کاغذی سفید و سرخ با برگ های بزرگ را جا داده، این گلها بیان امید ها و آرزوها برای فردا های شکوفان و صلح آمیز است که او را به مبارزه فرا خوانده است. «) از ولسوالی شیرین تکاب



ولایت فاریاب هستم. تا صفت (۱۱) درس خواندم که مکتب تو سطر اشرا حریق شد. من به اند خوی رفته و وقتی دوباره به شیرین تکاب بر می گشتم، افراد با ند مو لوی قره مرا دزدیدند که یکسال اسیر بودم. در جنگی که میان خود اشرا در گرفت، من فر صت یا فتم تا فرا ز کنم در مفرزه اوپراتیفی ولسوالی

شامل شدم و همراه با گروه مدافعین در امنیت ولسوالی سسم میگر فتم. روز با پدرم در دکان کباب پزی نیز کمک میکردم. بعداً در قوماندانی خارتوم ولسوالی شیرین تکاب سر باز گردیدم. سه ماه سیری کرده بودم که در برخورد با ضد انقلاب مجروح شدم. دو ماه در چهار صد بستر زیر تداوی بودم. می خواهم پس از گرفتن پای مصنوعی من مرکز احیای معلولین به تحصیل ادامه دهم. ما اطمینان داریم که انقلاب ما شکست نمی خورد. مملکت های صلح خواه جهان با ما ست. اینکه ما در اینجا افتاده ایم بخاطر جنایات امپریالیزم است. امریکا همیشه محکوم است. ما معلولین در ماه حوت سال گذشته، در مارش محکوم نمودن جنایات های امپریالیزم شرکت کردیم. جها نیان امپریالیزم جنا پیکار امریکا را بخاطر جنا یا تشس در ویتنام، فلسطین، افغانستان، السودان و در هر کجای دیگر جهان هرگز نخواهد بخشید. تورن عبدالله که حین انجام وظیفه پا یش را از دست داده آنطرف تر روی چپر کت مقابل ما نشسته و میگوید: «(اگر پای قطع شد زبان وجود دارد. با قطع پای یا دست مبارزه ختم نمی شود. ما با شمشیر زبان خود می جنگیم. رادیو و تلویزیون

باید با معلولین زیاد مصاحبه کند. تا اینها حرف های خود شان را بگویند و دشمن بداند که جنایات آنها آتش مبارزه قهرمانان را شعله ورتر میسازد. «) در یکی از اتاق های منزل پائین قرار دارم. کنار تخت عبدالخالق که هر دو پا یش قطع شده می نشینم. خودش را جا بجا میکند تا من راحت تر بنشینم. پیش از همه چهره خندان و پر مجبش مرا متوجه خود میسازد. میگوید: «(فراموش هستم، تا صفت ۱۲ درس خوانده ام. در غند سر حدی ارگون سر باز احتیاط بودم. در عملیات می رفتم. در قسمت بالای ارگون با انفجار مین زخمی شدم. پای چپم از بالای زانو و کف پای راستم قطع شد. رفقایم مرا با امبولانس به شفاخانه ارگون آوردند. (۱۵) دقیقه طول نکشید که با طیاره به کابل آورده شدم. (۳) سال در چهار صد بستر ماندم. دو سال سوم پای چپ عملیات شد. دکتر ها زیاد زحمت



هم از انقلاب دفاع کنند. این حرف رفیق کارمل است. در روز نامه زیاد از این چیز ها بنویسید از خاطرات قهرمانان تا جگر میسان نوشته کنید تا من مشق شود. امید میکنم بازم از ما خبر بگیرید. اینجا بیا بید آمدن تان ما را زیاد خوش می سازد. من همین که توانستم راه بروم به دفتر روز نامه می آیم. زیاد گپ میزنم. عبدالخالق رو یش را بسوی جوانی که در تخت پهلوی یش استراحت دارد، گردانده میگوید: «(این میرا آید ن است. در غند که ما ندوی خوست سرباز بود، هر دو پای یش از بالای زانو قطع گردیده. اما رو حیه بسیار خوب دارد. «) میرا آجان با نگاه صمیمی بنا میگرد. قیافه ساده دهانی اش از رنج ها و زحمت های کار حکایت دارد. «(جایم از غزنی است. پیش از عسکری در فاریاب یک چکل سازی پلچرخی کارگر بودم. در عملیات های توغر گردیز و چمکنی شرکت کرده ام. در پوسته حبش خیل بودم، شب دشمن را که میخواست به پوسته حمله کند سر کوب کردیم. شب به دزدی لب چشمه مین گور کردند. صبح که رفتم آب بیابورم مین با هایم را پراند. عبدالخالق مرد دیگری را در تخت آنطرف تر نشان میدهد. او کریم است و پای چپش قطع گردیده، با صدای بلند و لجه شیرین بدخشانی شروع به صحبت میکند. «(صاحب من در اسمار عسکر بودم، دو سال و هشت ماه خدمت کردم طرف شکیل میر قسیم، در راه اشرا مین مانده بود. اشرا جان ندارد. پشتبانی اش را امریکا، چین، پاکستان و

ایران میکنند. تر بیه می کنند تا وطنداران خود را بکشند. تا مردم را به دهقانی نمایند، به چوپانی و پهلوانی میکردم. «) از خا طرات تش چنین می گوید: «(ما در نورستان بودیم. یک تعداد مردم از دست اشرا به شکیل گر یخته بودند. ما به داد مردم رسیدیم خانه های شان را آباد کردیم و در کشت و کار زراعت به آنها کمک کردیم. هم دشمن را نابود میکردیم و هم به مردم کمک میکردیم. ما برای فریب خورده ها نیکه از پاکستان به اسمار می آمدند، خانه های شان را جور می کردیم، از نان عسکری و قرا و نه خود برای شان میدادیم. «) در میان حرف های ساده کریم به خوبی میتوان جریان آگاهی بخش مبارزه انقلابی جا مه خصلت مردمی قوای مسلح نیز تاثیر کار سیاسی در قطعات عسکری را باز یافت.

باهر که بنشینن ا زدرد و ناله نمی گوید. حرف فحردی است و اراده استوار این زندگی با آرزوهای بزرگ جریان دارد و قلب های بزرگ در مرکز جک مالا مال از شور و التهاب است. این چهره ها تجلی نیرو و اراده بزرگ توده های میلیونی وطن ماست. سخن از حماسه و دلیری حکایات روزانه آنان است. چیزی که خارج از این مرکز در زنده گی عادی مخصوصاً برای آنان که بیشتر از انقلاب به خود می اندیشند ناممکن به نظر می آید. اینجا رزم آوران عملیات های بزرگ قوای صلح چون مارمول، توره بوره و تور غر را از نزدیک می بینی و از میان صحبت های شان با دور افتاده ترین نقاط کشور آشنامیشوی اینجا هرحاکایت از حماسه، بازتاب قدرت قوای مسلح قهرمان و انقلابی است. هنگام صحبت با آنان سیمای شان آن چنان در نظر چنان میگیرد که گویی همین اکنون در دشت، دره و کوه هاجسور و بی باک به تعقیب دشمن اند، اما زندگی بی حادثه و سر نوشت نیست. و سر نوشت میتواند مردان سر تا پا شور به استراحت بکشاند.

با نرس های مهربانی که وجود شان را در راه و طبت و پر ستاری از این معلولین گذاشته اند. آشنامیشوم توریکن و چینی گل سه سال است که در اینجا خدمت می کنند. تور بیک میگوید: «(معلولین رو حیه بسیار خوب دارند، ما کوشش میکنیم خوب به آنها رسیدگی کنیم. من وقتی می بینم برای مریض ها با ندها شده و میتوانند راه بروند. بسیار خوش میشوم. یکی از معلولین ما بنام یوسف که هر دو پا یش قطع بود، پس از گرفتن پا توانست به خوبی راه برود. این چیز ها ما را زیاد خوشحال میسازد. اما دیدن تکلیف های شان قلب ما را به درد می آورد. «) چینی گل از باقی بریال واز رو حیه خوب ودانایی او یاد آوری می کند، که مدت در همین مرکز استراحت داشت. سیمین جان یکی دیگر از خانم های نرس است، میگوید: «(روز های اول برایم زیاد مشکل بود که این جوانان را با پایایی دست میدیدم، من قسم خوردم که باید خوب به آنها خدمت کنم. در سن و

سال جوانی چه آرزو ها و امید های بدل جوانان است. یگان وقت فکر میکنم، اینها وقتی مرا سالم می بینند که پیش روی شان راه میروم چقدر رنج میبرند. اما در چهره آنها درد نمی بینم. چقدر دلیر هستند یک تعداد شان که پا گر فتند پس به قطعات خود رفتند. «) من یادم از جگر ن غلام ربانی نو شاد آمد که چند ساعت پیش در اتاق شماره (۲) دیدمش افسر فرقه اردو در مزار شریف است. یک پایش قطع شده اما اخذ معافی خط و تقاعد را نپذیرفته و دوباره برای انجام وظیفه به قطعه برگشته است.

سیمین ادا ما داد: «(من که صبح می آیم از اتاق اول شروع میکنم، با هر کدام احوال پرس می نمایم. من با آنها زیاد درباره انقلاب و ارزش قهرمانی های شان میگویم. برای شان شعر میخوانم، شعر قهرمان زن «) را برای شان خواندم. که دو فرزند چنین است. پروردی به دامانت تو فر میر چشیر مردان نامدار قهرمان زن بادی نام نیک و افتخارات فرشته فلک کار قهرمان زن شعری گفته بودم بنام خدا حافظ تو. من این شعر را هنگامیکه یکی از معلولین با گرفت واز اینجا رفت. هنگام خدا حافظی برایش خواندم. که بعضی ها از آن تعبیر عاشقانه کردند. اما من عاشق تمام این مردان هستم. عاشق دلیری و شجاعت شان. تاحالا به چند نفر کتاب های سر نوشت یک انسان اثر شولوبوف، صبحگاهان اینجا آرام است و بیروز من از راه ام می خواهم کل خاطرات قهرمانان این استراحتگاه را بنویسم تا یک کتاب شود.

چهره سیمین را چنان هیجان فرا گرفته، که نمی توان به سادگی از وادی حرف های کوشش به اسرار آن بی برد. در این هیجان و بیان دلسوزانه باید ستیز عشق و امید و لبخند را با درد و گریه دید. او میخواهد تا عشق بر درد و لبخند بر گریه پیروز باشد. میتوان رفیق ترین و انسانی ترین عواطف را از زبان این یاران همه روزه معلولین انقلاب در یافت. این عواطف بیانگر امید ها و آرزو های هزاران مادر و زن سربازان ما و کشور های دیگر است که در مبارزه با امپریالیزم درگیرند. من در حالی شفاخانه احیای مجده معلولین، این استراحتگاه و مرکز پرا ز خاطره جانبازی و فداکاری را ترک می کنم که فقط با چند صفحه از آن کتاب بزرگی که باید در مورد آن نوشته شود آشنا شده ام. هرچه از اینجا دور تر می شوم واز دامنه زیبا فاصله می گیرم، قامت مغرور کوه بیشتر سر بلند می کند و من در قله های محکمش چهره دلیر مردان سرزمین را می بینم. چهره مردان با نام و گمنام را، مردانی که به گفته گورکی «هدف واقعی زندگی را در زیبایی و نیروی تلاش بسوی هدف دیده اند. در و زجه عاشقانه جان باخته اند امروز حماسه های ساخته اند فردا این باغ جوان سبز تراست اینگونه که طرح نور دارند اید انور آرمان

در عکس آن مردان دلیری به مشاهده میرسند که در مبارزه برای حقیقت و نور هیچ مانعی را نمی شناسند و ویژه های مایوسی و ناامیدی برای آنها بیگانه است.

نقش قوای سرحدی در دفاع از انقلاب

جانب مردم و قوای مسلح با هم می‌جنگند



سر بازان قوای مسلح فرمان کشور با موالد عالی توانایی آن‌ها را در گسترش وظایفشان را می‌گویند. عکس: امام نظر سر بازگه در چندین فعالیت مبارکوی علیه ضد انقلاب شجاعانه اشتراک کرده‌اند.

معلومات پداگوزیک

مؤثریت آموزش

آموزش و پرورش مؤثر نظامی در اردوهای طرز از نوین از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و این هم عمدتاً بدان جهت که سر - بازان جدید الو رود با طرز های تفکر و ریخت های مختلف شخصیت وارد زندگی نظامی می‌گردند، بنا بر این وظایف قوما ندانان، چادر - حضر و چه در سفر در مورد خطیر و مهم است، قوماندانان جزو تان ها و قطعات، با وجود آنکه قرارگاه های مربوطه در بخش های مختلف کار، مصروف اند و کار - مندان سیاسی هم عهد هدار - مسوولیت های در زمینه‌اند با آن هم تمام این قدرتها نقش و مسوولیت قوماندانان را در رابطه با چگونگی آموزش و پرورش منتفی نمی سازد.

قوماندا نان باید، به مقصد پرورش سربازان «...مصرفانه» و به جهت بخرچ د هند که جریا ن دروس سر بازان از حیث میتود یکی به طور صحیح و منظم پیشبرد د شود...

باید در نظر داشت که رویه و کراتر قوما ندانان بر سر بازان تأثیر زیادی دارد، زیرا آنها هم قوماندا ن بوده و هم نقش آموزش کار را بر عهده دارند، کار و عمل قوماندا ن همواره در معرض دید زیر دستان قرار داشته و نتایج کار تر بیستی آنها مربوط است به پیش آمد آنها و اینکه تا چه حدی بر اجرای وظایف و مسلک خود مسلط اند - به خاطر اینکه قوما ندانان خاصاً قوما ندانان جزوتام های کوچک بتوانند سربازان را بهتر بشناسند، با یاد مصاحبه های انفرادی را به مثابه یکی از ارکان مهم آموزش نظامی در نظر داشته و ضمن این مصاحبه ها، صمیمانه و عا ملانه تلاش روحي، تمایلات و علا یق آنها را درک کنند. وقتی چنین شناختی بوجود آمد، مسئله سوق و اداره جزوتام ها و قطعات سهل تر و مؤثر تر میگردد.

«شعبه نظامی»

اکنون که در برابر تحقق این امر مهم یعنی دفاع مؤثر از سرحدات جمهوری دمو - کراتیک افغانستان نواباکستان و ایران و جلوگیری قاطع از نفوذ باندیت ها به سر - حدج.د.ا. قرار داریم، این پرسش به میان می آید که چگونه میتوان در این راه به پیروزی کامل نایل آمد؟ در گام نخست باید نیروهای سرحدی کشور از جهت کمیت و کیفیت نیرو منسب گردند، جلب و جذب جوانان به ویژه جوانان سلحشور اقوام و قبایل سرحدی، به قوای سرحدی از جمله کارهای مهمی در ایمن - راستا بشمار میرود. که با کار سیاسی - توده یی مؤثر در بین اهالی این مناطقی - وسیعاً امکان پذیر است، باید اهالی مناطق قبا یلی در باره حقیقت سیاست حزب و حاکمیت انقلابی، در باره وضع کشور، جنایات ضد انقلاب و پلان ها و تو طنه های شوم و سیاه با داران خارج آن که تلاش می ورزند انقلاب نور را سر -

کوب و وطن ما را بخون و وطن پرستان آغشته و بعداً آنرا تجزیه کنند، بهر - آگاه و مطلع شوند. باید اهداف و آرمان های انقلاب نور و مرحله نوین آنرا با زبان خود آنها به ایشان قابل درک ساخت، تا هر چه آگاهانه تر و گسترده تر وارد معرکه گردند.

در رابطه با ارتقای کیفیت کار این نیرو ها، قوماندانان و کارکنان سیاسی سر تا سر ساختار تشکیلاتی قوای سرحدی و وظیفه دارند که دروس نظامی و سیاسی را آن طوری که نیاز کار نظامی - انقلابی است به پیش ببرند. قوما ندانان خاصاً قوماندانان جزو تان ها و قطعات کوچک در پیشبرد تعلیم و تربیه سر بازان هر چه بیشتر سهم بگیرند، زیرا تحقق این امر مستلزم کار مشترک کار مندان سیاسی - ایدئولوژیک و مقامات سوق و اداره است، صورت گیرد. مبدل ساختن دفاع و حفظ سرحدات به امر حیاتی قبایل ساکن من -

کافیست. به خاطر پیروزی او تلاش می ورزید ز پسرا در آن وقت او ارزش زندگی را به خوبی درک نمود.

شیرزی به ساعت دستی خود نگاه کرد. دقیقه قبل او با رفقای خود از بگرام پرواز کردند. وظیفه آنها قبلاً خاتمه یافته و رفقای او واپس به بگرام رفته اند. باید عجله کرد حتماً یکی از باندیت ها متوجه پراشوت او شده است و ممکن به تعقیبش بپایند.

شماره آفتاب در هر جا دا من کشود بود. درختان مخروطی شکل از هند یگر خیلی زیاد فاصله داشتند. بعضاً فاصله آنها آنقدر می شد که سایه آنها احساس

نمی گردید. بعد از طی مسافتی شیرزی را عطش تشنه گی فرا گرفت. ولی در آنجا در نزدیکی ها آب دیده نمی شد. گرچه چندی قبل در آنجا باران باریده بود ولی همه آنها از صخره های کوه به پائین ریخته بود. شیرزی به سرعت به پیش روی ادامه داد. زیرا در عقب او صدای ((در پش)) شنیده می شد. ناگهان او در پای راست خود در رفتی احساس کرد. وقتی نشست دید که دریا - پش چوب نوك تیزی فرو رفته است. حالا باید چطور راه رفت؟ او با نگاه های غم انگیز به پیش روی خود نگاه کرد. و طیاره اش، قوما ندانان نقش و خا نواد اش بیادش آمدند گو یی همه به او می گفتند، حرکت کن تو هنوز اثر زی داری او آهسته بلند شد و به راه پیمایی مجدداً آغاز کرد. قبل از حرکت به ساعت خود نظر افکند ساعت ۱۱ بجه قبیل از ظهر را نشان میداد. تا ساعت دو بعد از ظهر او به راه پیمایی ادامه داد. او دیگر به جسم بی جانی مبدل شده بود. خون از

غلبه بر مرگ

این نوشته خاطره قهرمانی يك پیلوت و ژنرال قوای مسلح ج.د.ا. است. در اینجا می بینیم که او چگونه با آستان مرگ میروید، ولی با اراده و بزرگو ایمان به انقلاب از مرگ نجات میابد. گزارش را خبر نگار روزنامه ایستیا چاپ اتحاد شوروی در کابل تهیه نموده است که اخیراً در شماره (۱۷ جولای) آن روزنامه انتشار یافته و ما ترجمه آن را به دست نشانی می سپاریم.

و بعد از گذشت چند دقیقه او لین در را عبور نمود. در وقت پرتاب پراشوت او پاهای او بوت ها پریده او با برهنه در بین سنگ ها حرکت می کرد. چون سنگ ها خیلی داغ و سخت بود، از این سبب او از سرعت خود کاست در منطقه هم چنان درختان زیاد بود و این درختان برای شیرزی کمک نمود تا در حالت های خفا سر خود را در بین آنها پنهان نماید.

در چند لحظه استراحت او دست شکسته خود را با دستمال بسته کرد و در خالیکه شد یلاً احساس درد می کرد و خون از دست او جاری بود و تمام وجود اش را سرخ کرد. بود، خواست از خون ریزی با وسایل دست داشته جلوی گیری نماید، ولی در آنجا تصور رات عجیب و غریبی در ذهن اش خطور و او چون پا برهنه و بی سلاح و بی سلاح و شیرزی میگردند متوجه شیرزی نگردیدند.

بعدها واضح تر شد که پیلوتان در گرد و خاک غلیظ توجه شیرزی نشده و صرفاً متوجه آنجا و طیاره گر -

وقتی که طیاره مذکور در بالای هدف رسیدند پیلوتان معتقد گردیدند که اطلاع کشفان دقیق است. در منطقه یمن و هموار خیمه های زیادی مشاهده بود در اینجا هیچ زنی، طفلی و موأشی خا نگی دیده نمی شد. چیز یکه در اینجا توجه را جلب می کرد صر فمردان مسلح بودند که به مجرد دیدن طیاره فوراً به طرف دستگاه های ضد هواپیما زینت وراکت ها دویدند...

فیر بالای طیاره شیرزی یکتان ازین پیلوتان به شدت آغاش شدند. در طیاره تعادل برهم خورد و شیرزی در ناحیه دست راست خود احساس شدید درد کرد. طیاره به سرعت به طرف صخره های سنگی پائین می آمد. شیرزی صر ف توانست تکه میکا - نیزم نجات دهنده را فشار دهد. با فشار تکه میکا سیستم پراشوت فعال گردید و شیرزی از طیاره خارج شد. هنگام خروج شیرزی در زیر پای خود آتش و دود غلیظ را احساس کرد. در هنگام فرود آمدن به زمین شیرزی به آسمان نگاه کرده ولی بیشتر ذهن اش متوجه زمین بود زیرا او نمی دانست که در زمین کی است. رفقای بیبنوت او چون پا برهنه و بی سلاح و بی سلاح و شیرزی میگردند متوجه شیرزی نگردیدند.

بعدها واضح تر شد که پیلوتان در گرد و خاک غلیظ توجه شیرزی نشده و صرفاً متوجه آنجا و طیاره گر -

سلاح (۲۰ نفر) از آنها می گذرند، او از طرز رفتار آنها فهمید که در تعقیب او نیستند. شیرزی خود را دو پشت سنگی مخفی کرده و متوجه با های آنها گردید و دید که آنها بوت های مستحکم نظامی ساخت پاکستان را دارند، با این بوت ها او آشنا بی داشت زیرا در چندین وظیفه تصادفی با دی ازی این بوت ها را به دست آورده بود. او خیلی آهسته حرکت کرد و بعد از هر صد قدم به زمین افتاد و با دشواری در انتظار با ز گفت نیروی تازه می بود بعد از جمع آوری اندک نیرو. دست چنین احساس می کرد که در سر پا یش جاری بود و در عقب اش رده سرخی را به جامی گلاشت با های او ورم کرده و کبود شده بود و زبا نشی سخت شده بود. جایی وجود نداشت که از شمار داغ آفتاب فرار نماید، هر جا يك نوع بود و شمار آفتاب در همه جا مساویانه پخش می گردید. چند کیلومتر دیگر تا خواست باقی بماند، این را هم نمی دانست ولی او میدانست که در پیش روی او مشکلات بیشتر قرار دارد.

شیرزی در آنجا بی هوش شد. وقتی به حال آمد تمام وجودش درد می کرد، او چنین احساس می کرد که در سر پا یش جاری بود و در عقب اش رده سرخی را به جامی گلاشت با های او ورم کرده و کبود شده بود و زبا نشی سخت شده بود. جایی وجود نداشت که از شمار داغ آفتاب فرار نماید، هر جا يك نوع بود و شمار آفتاب در همه جا مساویانه پخش می گردید. چند کیلومتر دیگر تا خواست باقی بماند، این را هم نمی دانست ولی او میدانست که در پیش روی او مشکلات بیشتر قرار دارد.

شیرزی در آنجا بی هوش شد. وقتی به حال آمد تمام وجودش درد می کرد، او چنین احساس می کرد که در سر پا یش جاری بود و در عقب اش رده سرخی را به جامی گلاشت با های او ورم کرده و کبود شده بود و زبا نشی سخت شده بود. جایی وجود نداشت که از شمار داغ آفتاب فرار نماید، هر جا يك نوع بود و شمار آفتاب در همه جا مساویانه پخش می گردید. چند کیلومتر دیگر تا خواست باقی بماند، این را هم نمی دانست ولی او میدانست که در پیش روی او مشکلات بیشتر قرار دارد.

ترجمه حمیدالله

از کشورهای سوسیالیستی

افزایش حقوق تقاعد و مدد معاش در اتحاد شوروی



به کمک عاجل ضرورت دارند، کمک های لازم ما دی را در اختیار آنها بگذارند (انداز کم ها و اضافی تقاعد نباید از پنجاه روبل در مجموع تجاوز نماید) در مصوبه جدید به افزایش سی روبل در ماه به اتباع مجرد که حقوق تقاعد ندارند نیز در نظر گرفته شده است. همچنان تدابیر کمپلکسی روی دست است که به موجب آن در اتحاد شوروی خانه های مخصوص کهن سالان بدون فامیل که مجبور با تمام وسایل لازم و ضروری برای آنها می باشد، اعمار میگردد.

در مصوبه جدید بر علاوه تدابیر بالا به فامیل های که تعداد اطفال شان زیاد است و درآمد کم دارند نیز توجه جدی مبذول گردیده است. قبلا به عیوفا میل حاصر فاشن هشت ساله کمک مادی داد میشد، در مصوبه جدید بر علاوه اینکه در مقدار کمک ها افزایش رو نمایی شده کمک مذکور تا سنین دوازده سالگی ادامه می یابد. در مصوبه جدید تسهیلاتی ضروری برای خانم های که در قطعات قوای مسلح و خدمات عاجل ایفا وظیفه میکنند، نیز در نظر گرفته

علاوه از کمک های مالی رخصتی یک ساله با معاش داده شود. تمام این تدابیر با عت شده است تا در تعداد فامیل های که در آمد کم دارند، کاهش رو نمایی گردد. در مورد کفایت از قام زیر تد کس داده شود. اگر در سال ۱۹۷۰ صرف هجده درصد مردم در فامیل های زندگی میکردند که در آمد هر عضو آن از صد روبل تجاوز می کرد، امروز این رقم تا شصت درصد رسیده است.

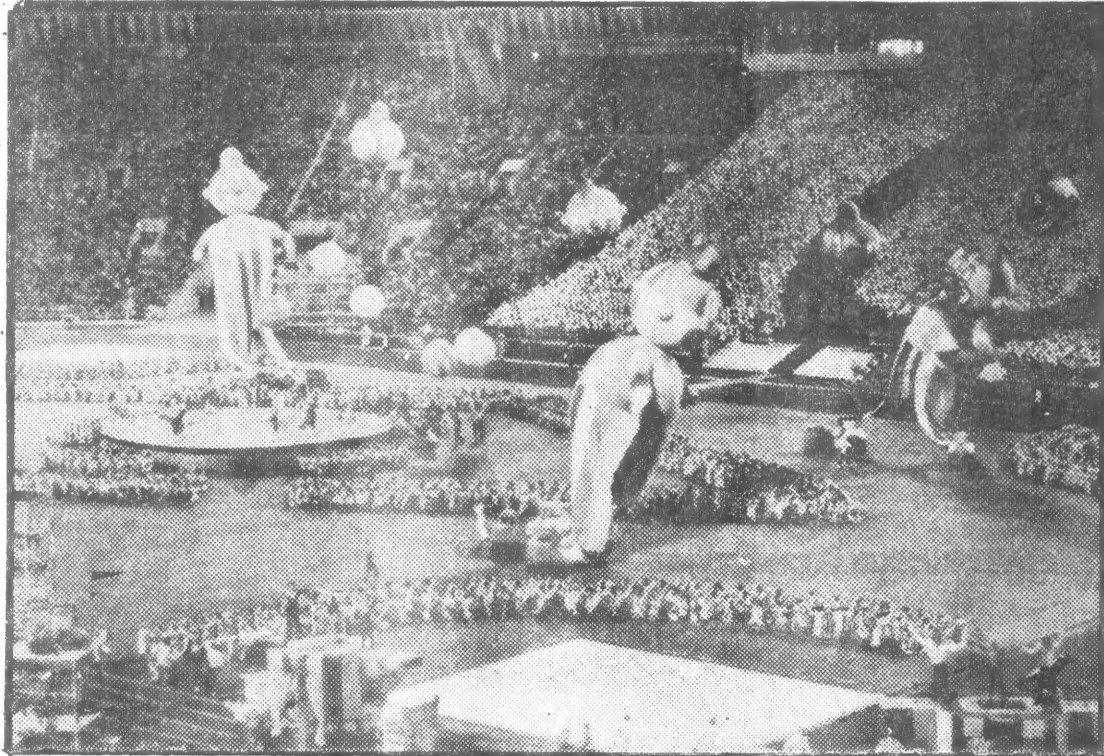
در اتحاد شوروی چندی قبل مصوبه جدید تصویب گردید. در مصوبه جدید بهبود در وضع زندگی کنکور می بین از مردم نیز در نظر بود و توجه عمده به کسانی مطوف شده است که درآمد کم دارند. در پلان پنج ساله جاری قرار است که از اول نوامبر امسال در تقاعد کارگران و کارمندان تاجیک روبل افزایش در ماه رو نمایی گردد.

از تسهیلات فوق الذکر اضافه از چهار ده میلیون نفر بهره مند گردیده و هم چنان در مصوبه مذکور به شورا های شهری و ولایتی دستور صادر گردیده است. تا از بودجه دست داشته خود به متقاعدین که

یکی از پرسن های اساسی حکومت شور ها - تقسیم کار در آن کشور و پرداخت دستمزد ها و حقوق تقاعد مطابق به کار می باشد. در اتحاد شوروی در آمد فامیل ها نه تنها تابع کار آنها بلکه موافق به تعداد اعضای فامیل (تعداد اطفال و نو جوانان) آن تنظیم میگردد. افزایش منظم سطح دستمزد ها و منجمد حد اقل معاش و اتخاذ تدابیر مختلف بخاطر بهبود وضع متقاعدین و هم چنان کمک به مادران طفل - دار همیشه در صدر توجه حزب و دولت شوروی قرار داشته است. به طور نمونه حد اقل معاش از سال ۱۹۷۵ الی سال ۱۹۸۵ از چهل و شش روبل تا یکصد و نود و یک روبل در ماه بالا برده شد. صرف در پلان پنج ساله جاری در تقاعد متقاعدین کمک به مادران طفل دارو همچنان کمک مادی به مادران حامله افزایش رونما شده و در نظر است تا برای مادران تا یک سال بعد از ولادت

دوازدهمین استیوالات جهان نی جوانان و معطلان که اخیرا در شهر زیبای مسکو بایان یافت، نقشه تک در زندگی جوانان جهان به شمار میرود و اهمیت فوق العاده در حیات سیاسی و اجتماعی جوانان جهان برخوردار است. این استیوالات بزرگترین رویداد سال بین المللی جوانان محسوب میگردد قبل از همه استیوالات جوانان و معطلان پاسخ روشن و قاطعی در برابر سیاست جنگ الی روزانه محافل امپریالیستی در رأس امپریالیزم ایالات متحده امریکا بود که با طرح ها و اندامات و حشیانه نظا میگردان خود بیش از همه میخواست جهان و تمدن و فرهنگ انسانی بابه پرتگاه نیستی و نابودی بکشاند.

عکسها : ● مراسم پایان استیوالات در استودیوم مرکزی شهر مسکو بنام لنین ● یکن از شرکت کنندگان استیوالات ● کلوب جوانان افغانستان در استیوالات مسکو. عذر از مهمانان حین بازدید از کلوب جوانان افغانستان.



ثمره دوستی و همکاری

هائوی : قسمت اعظم ماشین آلات جمهوری سوسیالیستی ویتنام در فابریکه های تولید میگردد که به اساس مساعدت های تکنیکی اتحاد شوروی در ویتنام اعمار گردیده است. با اعمار فابریکه ماشین سازی نمیر اول هائوی که در سال ۱۹۵۸ مورد بهره برداری قرار گرفت اساس رشته جدید صنایع در ویتنام گذاشته شد. در فابریکه مذکور بیش از شش هزار کارگر فنی در بیست رشته تخصصی هم چنین بیش از یک هزار رانجیر و تخنیکر ما تربیه شده است. تعداد زیادی از متخصصین ویتنامی تحصیلات خود را در اتحاد شوروی و به خصوص در فابریکه ویرولت ریای سرخ مسکو به پایان رسانیده اند. همچنان به کمک اتحاد شوروی در شهر هائوی مکتب مسلکی و تخنیکی اعمار گردیده است.



پایان فستیوال

طی هفته گذشته دوازدهمین فستیوال جهانی جوانان و معطلان که در مسکو برگزار گردیده بود با مراسم باشکوهی پایان یافت. از ۵۷ کشور جهان بیش از بیست هزار جوان که دارای عقاید گوناگون سیاسی، فلسفی و مذهبی بودند در این فستیوال اشتراک نمودند. در پیام جوانان شرکت کنند مخطاب به جوانان و معطلین جهان از جمله تاکید گردید که دوستی که تفاوت قایل در افکار و عقاید نسل جوان پیرامون بر خیز می یابد نمی تواند از زمره گز عهده تو چه نایندگان جوانان شرکت کنند در این گرد - های عظیم به امر فوق العاده مهم مبارزه برای تحقق همه جانبه حق مسلم هر انسان، برای زندگی در شرایط صلح آمیز جلو گیری نماید. فستیوال مسکو با تاکید بر شعار «حشدار دهنده قاجیه هیرو شینا و ناگاساکی هرگز نباید تکرار شود» از جوانان تمام کشور ها صرف نظر از عقاید سیاسی، فلسفی و مذهبی دعوت نمود و است تا برای متوقف ساختن نیروهای جنگ طلب متحده مبارزه نمایند. فستیوال مسکو در سطح جهانی با انگاس و سیمسی رو برو گردید. آمر یونسکو آنرا مهم ترین رویداد سال بین المللی جوانان ارزیابی نمود.

اعلامیه

در یک گردهم آیی متشکل از روسای جمهور کشور های از جنتا، بولیویا، کولومبیا، پاناما، پیرو، پروگوئی، ونزوئلا، مکزیکو و تعداد دیگری از کشورهای امریکای لاتین که در ایما پایتخت پیرو برگزار گردید، پروپم های مهم منطقه مورد بحث قرار گرفت و در پایان اعلامیه ای انتشار یافت.

در اعلامیه مزبور تاکید شده است که به بحران امریکای مرکزی باید از طرق مسالمت آمیز خاتمه داد و در این ارتباط از اقدامات گروه کشورهای «کانتا - دورا» پشتیبانی شده است. اهمیت صدور این اعلامیه بیشتر از این لحاظ برجسته است که در شرایطی انتشار می یابد که ایالات متحده با تهدید مداوم تجاوز مستقیم به نیکاراگوا، سیاست تسخیر فزاینده خود را لجوجانه در امریکای مرکزی ادامه میدهد. امضاء کنندگان «اعلامیه لیما» سیاست تولید فزاینده سلاح های هسته ای و غیر هسته ای که صلح و امنیت جهان را به مخاطره افکند است محکوم نمود و بر سیاست کاهش هزینه های نظامی و افزایش تخصیص بودجه های اجتماعی و کمک به کشورهای نیازمند صحه گذاشته اند.

تمرین تجاوز در آفریقا

به تاریخ چار اگست هائوی نظامی مشترک ایالات متحده و مصر بانام «ستاره درخشان ۸۵» در قلمرو مصر آغاز گردید. در طی شش سال گذشته این چهارمین هائوی مشترک امریکا و مصر است.

جهان در هفته



مروری بر وقایع مهم

مساعده و حمایت قصر سفید بر خور دار میباشند تلاش میروژند تانفو ذ خود را در سیاست خارجی ایالات متحده گسترش بخشند. در طی هفته گذشته گردهم آیی ائتلاف جدید بیست و پنج سازمان امریکا و واشنگتن بر گزار گردید. در این گردهم آیی در پیش گرفتن سیاست تجاوز کارانه تر در عرصه بین المللی از سوی ادار و واشنگتن مورد تایید قرار گرفت. راست های افراطی ایالات متحده که در دس های تلخ جنگ جهانی دوم را به فراموشی سپرده اند، به منظور به اصطلاح «حفظ منافع ملی»، بر استفاده از قدرت نظامی در نقاط مختلف جهان تاکید نمودند. آنان برای ریشه کن ساختن «لیبرالیزم خطرناک» که گویا در دستگاه دولتی در حال رشد می باشد یک کمپاین سرسری را اعلام نمودند. راست های افراطی ایالات متحده که از اعمال سیاست های جنایتکارانه امپریالیستی کنونی که به دست اداره ریگن به مرحله اجرا در می آید به هیچوجه راضی نیستند، علل رشد این «لیبرالیزم» را متوجه حکومت امریکا میدانند که از شروع جنگ صلیبی علیه کشور های سوسیالیستی طفره میرود.

گردهم آیی ائتلاف جدید بیست و پنج سازمان دست راستی ایالات متحده اصرار ورزید که در عرصه سیاست خارجی زمام امور بدست «امریکایی های واقعی» سپرده شود. خطر را ست افراطی در غرب به خصوص ایالات متحده جدی است. این انتی کمونیست های دواشته آماده اند تا جهان را در لبه پرتگاه فاجعه هسته ای قرار دهند.

چهلمین سال جنایت بزرگ

ششم اگست امسال مصادف بود با چهلمین سالگرد بمباران اتمی هیروشیما و ناگاساکی. در جریان این جنایت بزرگ ایالات متحده بیش از دویست هزار نفر از مردم این دوشهر جا پان به نحو دردناکی به قتل رسیدند. به مناسبت سالگرد این قتل عام اتمی که در تاریخ بشریت بسی ساقیه است، مراسم بسیاری در کشورهای مختلف جهان بر گزار می گردد. به ابتکار شارول های هیروشیما و ناگاساکی بتاریخ پنجم اگست نخستین کنفرانس شاروالی های جاپان با هدف همبستگی شاروالی های برای مساعی صلح در هیروشیما گشایش یافت. هیات های نمایندگی از شصت و هفت شهر جاپان در این کنفرانس شرکت ورزیدند. علاقمندی گسترده عمومی در مبارزه برای نابودی سلاح های هسته ای و کوشش برای یافتن طرقی در پیش گرفتن اقدامات مشترک برای تضمین جهان بدون جنگ و سلاح های هسته ای در ایمن گردهم آیی مورد بحثی باشد. شعبه مسائل بین المللی

خطر راست های افراطی

گروه های راست افراطی در ایالات متحده که از نظر

اخبار خارجی، واقعیت‌ها، حوادث

آواز «مظلوم آواز»

اخیرا نشر به تحت عنوان «مظلوم آواز» از طرف مولوی آخندزاده رئیس جمعیت - العلمای باجور ایجنسی به چاپ رسیده است. درین نشریه مدارا خلالت بی شرمانه ضد انسانی وضد اسلامی رژیم نظامی پاکستان در امور داخلی افغانستان به شدت تقبیح شده است. همچنان درین نشریه از رژیم نظامی پاکستان و رژیم نظامی نجات یابیم.

تقاضای رهایی زندانیان

کمیته پاکستان بر ای رهایی زندانیان سیاسی از رژیم نظامی ضیاء الحق جدآ تقاضا نموده تا هزاران زندانی سیاسی را که در سلولهای زندانها تحت شکنجه های گوناگون بسر میبرند رها سازند. بگزارش روزنامه مسلم اعضای این کمیته در کنفرانس مطبوعاتی در لاهور اظهار داشته اند که یگانه «جرم» اکثریت این زندانیان سیاسی عدم موافقه شان با پالیسی رژیم نظامی یا مبارزه شان برای اعاده دموکراسی در پاکستان بوده است.

ابراز رضایت

هیات نمایندگان عضو گروپ کاتادورا که مشغول بازدید از ماناگوا میباشند یکبار دیگر موضعگیری سازنده رهبری نیکاراگوا و مساعی صادقانه آنرا برای حل صلح آمیز اوضاع انفجار آمیز میانکاری مرکزی عالی ارز یابی شانرا ابراز نمودند.



دیدار نامقدس

بگزارش آزادانه های خبری بین المللی بر اساس اطلاعات رسیده به دهلی جدید سرکرده های باند های ضد انقلاب افغانی مستقر به پاکستان اخیراً با نمایندگان ایالات متحده آمریکا و عربستان که مخصوصاً به همین مناسبت به پاکستان رفته بودند ملاقات نمودند.

نمایندگان جمهوری چین نیز در این دیدار بازدید مشترک داشتند. ضد انقلاب افغانستان در قدم اول خواستار راکت های زمین به هوا و توپ ضدطیاره شده اند. شرکت کنندگان این ملاقات مساله تو سمه مراکز موجود و ایجاد کمک های جدید تربیت ضد انقلاب را برای آموزش شمار بیشتر ضد انقلابیون خاصاً بخاطر استعمال سلاح عصری مورد بحث قرار دادند.

بخاطر

یادداشتی بر خبر

رسوایی...!

جهان افشاء کردند که سفارت آمریکا در اسلام آباد طی به اصطلاح ((کنفرانس های مطبوعاتی)) که منظمآ در یکی از اتاق های سفارت برای روز نامه نگاران غریبی دایر میگردد، چنین اطلاعات دروغین را در اختیار روز نامه های غریبی قرار میدهد. این ((اطلاعات)) نخست در سفارت آمریکا در کابل جمع بندی میشود و بعداً توسط مسوولان سفارت آمریکا در اسلام آباد به ((ژورنالست)) ها سپرده میشود.

افتضاحی را که هفته نامه نیوزیلند تا یز در حوت سال گذشته ببار آورد و در نتیجه گردانندگان آن مجبور شدند از خوانندگان خود برای نشر جعلیات در مورد افغانستان معذرت بخواهند، درس خوبی بود برای گردانندگان ((لو موند))، اما از قرائن چنین معلوم میشود که این آقایان نمیخواهند از تجربه گذشته همطرازان خود درس بگیرند. گذشت زمان که آنها مات دروغین آنها را افشاء میسازد، ممکن بتواند درس خوبی برای

به ادامه نشر جعلیات در مطبوعات غرب که بارها به ابتذال و رسوایی های پرسر و صدا برای گردانندگان آنها منجر شده است، اینبار نوبت به روزنامه ((لو موند)) چاپ پارسیس وابسته به ارتجاعی ترین حلقه های انحصارات فرانسه رسید و با نشر یک دروغ مبتذل، بار دیگر طشت رسوایی مطبوعات امریالیستی را از بام به پائین انداخت.

روزنامه ((لو موند)) به شیوه معمول مطبوعات امریالیستی اخیراً طی گزارش سراپا جعلی، لست طولی از مناطق مسکونی افغانستان را از قول گزارشگر خود به نشر سپرد که گویا این مناطق در اثر بمباران طیارا شوروی بظاک یکسان شده و ساکنین این مناطق نابود شده اند. اما زما نیکه ((اف. لیو)) ژورنالست ارجنتینی از قریه های متذکره دیدن کرد، نه تنها آثاری از بمباران خیالی ((لو موند)) را ندید، بلکه بار وال عادی زندگانی در مناطق متذکره رو برو شد. نکته قابل تأمل اینجا ست که چرا مطبوعات غرب چنین افتراآت را علیه انقلاب ما برای می اندازند و منبع مرکزی پخش چنین دروغ

کالاهای لوکس که بوسیله کورپراتیف های تولیدی در چکوسلوواکیا تولید میشود در بازار با ارزش تر نسبت به کالاهای دیگر مصرفی است. عکس: نمایشگاه که چندی قبل در پراگ بخاطر نمایش تولید بهترین کالاهای بوسیله کورپراتیف ها صورت گرفته بود، میباشد.

ناگاساکی در شعله های بمب اتومی

از انفجار بود. تونری هان در روز تولد خود با فشار د که بر تاب بمب اتمی هفتاد و سه هزار و هشتصد و هشتاد و چهار نفر را به قتل رسانید و ده ها هزار دیگر را به رنج و درد ابدی مواجه ساخت. در شهر ناگاساکی بخاطر این قربانیان بنا می کردند. ناگهان کپتان نامر بازگشت به استقامت غرب به سوی شهر ناگاساکی را صادر کرد. طیاره از طریق بحر به ساعت ده و پنجاه و هشت دقیقه وارد ناگاساکی گردید. آسمان شهر ابر آلود بود. کپتان طیاره حامل بمب سه صد هزار نفر در کام جنون هستریک نظامیگران فرورفتند.

صبح همان روز در معبد برای عبادت جمع شده بودند. یکپزارو سلسله متعلیم وکی امروز که ایالات متحده باز هم تلاش و سیخ و خا طر حصول آقا یی بر جهان را ادامه میدهد و «پروگرام جنگ ستاره» گان را تدوین نموده، باز هم جهان و جهانیان را در آستانه یک فاجعه دیگر هستوی قرار داد است، وظیفه تمام بشریت است تا در نشاندن جلوه همچو دیوانگی ها را بگیرند. تا بازم هم حادثه غم انگیز هیروشیما و ناگاساکی که لودان میلیون ها انسان صلح دوست را نا آرا ساخت تکرار نگردد.

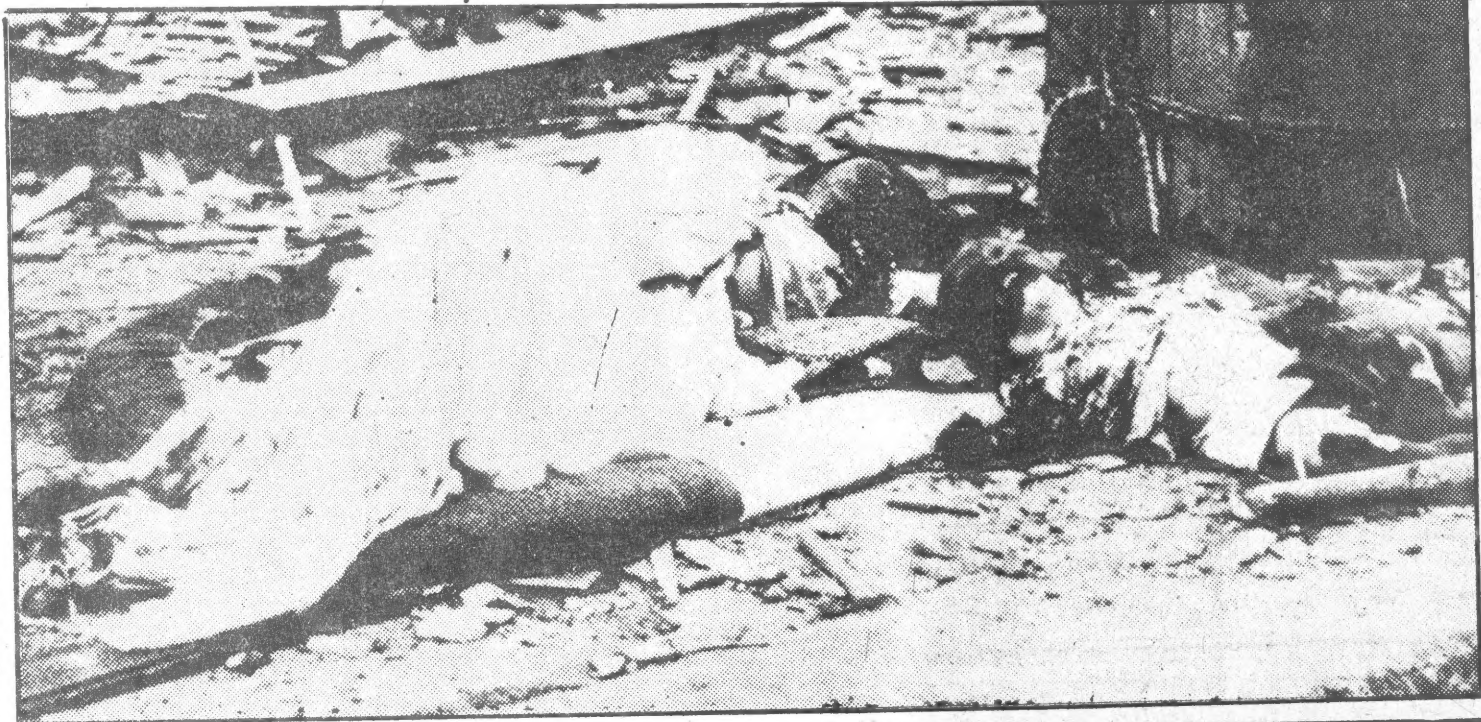
از منابع آ. پی. ان

ترجمه و تلخیص از جانب محمد

در عکس صحنه بمباران

بانیان بمباران اتمی در جاپان

عکاسی آ. پی. ان



مداخله در امور زیلانده جدید

ایالات متحده آمریکا با مداخله خود را در امور زیلانده جدید پان بخشید. جیو فری با لمر معاون صدراعظم زیلانده جدید گفت در ماه گذشته مقامات آمریکا دست کم چهار مرتبه به حکومت زیلانده جدید هوشدار دادند تا قانون منع ورود کشتی های حامل سلاح های ذروی آمریکا را بنادر زیلانده جدید ملتوی قرار دهد و در صورت ادامه این ممنوعیت موضع زیلانده جدید در پیمان نظامی اتزوس مورد تجدید نظر قرار خواهد گرفت. بگزارش انجمن مطبوعاتی

ناگاساکی در شعله های بمب اتمی

۶- اگست ۱۹۴۵ ایالات متحده آمریکا موفق به پلان «منهاتن» اولین بمب اتمی خود را در هیروشیما استعمال نمود که در شعله های سمارق شکل آن بیش از یکصد هفتاد هزار نفر سوختند (نهم) اگست ۱۹۴۵ بازم روزانجام عملیات جدید آمریکا انتخاب شد. ایالات متحده آمریکا در نمایش قدرت و نیروی نظامی خود جلوه کرده خواست به این ترتیب اراده خود را با لای سایر کشورها تحویل نماید. بخاطر روشنی قضایا بعباست که حوادث چهل سال قبل را بخاطر بیاوریم.

شب نهم اگست سال ۱۹۴۵ برای جکون فرید - سونی فرمان نمیر هفده علیات را دادند. او نمی دانست که فرمان نمیر هفده را شخصاً رئیس جمهور آمریکا ترومن صا در نموده است. در فرمان آمده بود که «تاتانک های شوروی وارد منچو ریا نشوند. واردی وکوان تونگ» در جبهات پییم شکست خورد. اند به پایان جنگ چند روزی باقیست که در جریان آن باید بمب اول استعمال گردد.

طیاره جکون چک سونی ساعت یک و پنجاه و شش دقیقه از میدان هوا یی جزیره «تی نیان» به استقامت کیوسیو پرواز نمود. در عرشه این طیاره بمب اتمی قرار داشت. پیلوت دوم طیاره تورن دون البوری نام داشت. تعداد عمل طیاره مجموعاً به ده نفر میرسید و تورن کیر میت بی هان، مسوول بمب اتمی بود. جک سونی همچنان کپتان طیاره بی بیست و نه بود که بمب اتمی را در هیروشیما بر تاب نموده بود.

به تاریخ نهم اگست ۱۹۴۵ جنرال فارل بعد از اخذ گزارش گروپ بر تاب کننده بمب بر ناگاساکی شغری را به متن زیر به واشنگتن ارسال داشت: «من بعد از شنیدن گزارش به این نتیجه رسیدم که عمل طیاره کار فوق العاده مشکلی را با قاطعیت، عقل سلیم و هنر مندان انجام دادند. ضعیفان نمی توانستند همچو کاری را انجام دهند...؟! این اولین ارزیایی رسمی



ماما خبر دار صاحب صفحه تقدیم می کند

دقاالباب

از دفتر عریض ماما خبر دار



ماما خبر دار انتقاد میکند

ماما خبر دار !
چند روز پیش پنبه گل ها یه یکه چا نیکی گوشت گو سپند ، چهار دانه تخم مرغ یکو نیم خورد گرو یکه چا نیک چای سبز خریدم و اولین سالگره پیاده شدیم رادر یک سماوار جشن گرفتیم .
در سماوار گرمی زیاد بود . از سرو صورت ما نند باران عرق می بارید فکر کردم همان چا نیکی وچای را که خوردیم دو باره از سر و صورت به بیرون ریختند این قصه را ماما جان به جایش می گذارم و اصل موضوع را برایت عرض می کنم .
ماما خبر دار ده ای روز هاخوبه خودت مالوم اس که گرمی زیات شده و بیگمشکل روبروی شدیم اگر مره راه نیایی کنی خوش میشم . گپ ایطور اس :
دیروز سات ده ونیم بجه آمد وگفت «چرا دیروز شربت آمر صایب مره خاست و گرم بزی مهبانسا آوردی

خجالت نمی کشی همی انسانیت اس» برش گفتم «اوامر صایب یکی دو دانه یخچال اس وکل مامورین بیچاره هاگرمی می کنن یگان زده اوین میخورن همی قدر اوین مانده بود . برتان آوردم خی چطور کنم .
ام دفعه دکه خوب قار شدو گفتم : او نادان یخچال از آمریت اس یاازکلگی هروخت که دگام آمرشدن اوین بخورند .
اوناره به اوین چی همی یخچال ده پای توقید شده ، اگر خراب شد و ایجانت .
ما ما ! حال نمی دانم اگه به گفتم آمرکنم دلم بری مامورین بیچاره می سوزده ای گرمی چطور کنن ، اگه بگفتم مامورین کنن خو دربر می شم .
«این نامه ره از زبان مه یک مامور صایب ماکه مره سواد یادمیده نوشته کده» .
حشمت



ازالبوم ماما خبر دار
این دو چی رانگاه می کنند و به چی می اندیشند ؟
یاری همکاری درفستیوال جوانان و محصلان مسکو



ماما خبر دار دعوت میکند

سینما

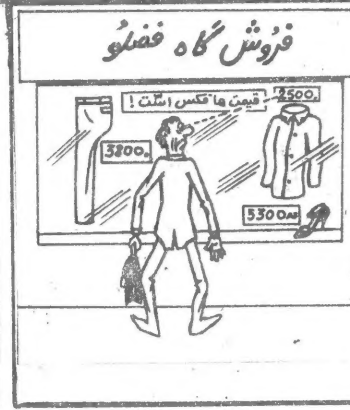
افغان فلم با نصب دستگاه دوبلی دوغلم تازه را دوبلی کرده است که اولین محصول این دستگاه جدید را فلمی از اتحاد شوروی بنام عشق رزمی می سازد ، علاقمندان هنراین فلم تازه را بادوبلی عالی در هفته آینده در یکی از سینما های شهر تماشا خواهند کرد . وهیچنان فلم تازه افغانی بنام صبورسرباز از ساخته های انجنیر لطیف کارگردان ماهر کشور درهفته آینده در سینمای زینب به نمایش گذاشته میشود .

تلویزیون

شام جمعه برنامه تازه ثبت شده دیری مجلس را باپارچه های خوب محلی از هنرمندان شناخته شده کشور ازطریق برنامه موسیقی تلویزیون تماشا خواهید کرد .
در هفته آینده قسمت دوم و سوم سریال جدید هنگری از طریق تلویزیون ج.د.ا. بشهر میرسد .
هیچنان در نشریات شام پنجشنبه برنامه موسیقی رنگارنگ ، در سیاره مغولم هنری افغانی بنام «مردها ره قول اس» گنجانیده شده است .
در نشریات صبح جمعه فلم هنری برای نوجوانان موسیقی وسایر برنامه های دیگر در نظر گرفته شده است .



کارتنویست : هژرشینواری



بلون شوح

جدول کلمات متقاطع شماره ۴

- الفی :**
۱- قسمتی ازرومان آن دوهمین شماره به نشررسیده .
۲- گندم دروبه پشتو -بوی عطراکین دارد- هنرمندان به آن میرسند .
۳- چال و فریب - جمع کتاب - موهای اسپ .
۴- میان دوکوه - به نظرفلاسفه یونان یکی از چهار عنصر اساسی جهان - نام یک حیوان .
۵- در آب بازی صورت میکرد - تکرار حرف .
۶- حالت تعجب - حسدبه انشای غلط - تکرار حرف .
۷- یک واحد سیستم متریک - عقب به پشتو .
۸- وقتی جبین ، گشاده نباشد - ازخوردنی ها ییکه سرشار از ویتامین ای است .
۹- همین روزها کودتای نظامی در آنکشور به وقوع پیوست - در تابستان بیشتر است .
۱۰- ریاکار - واحد پول در یکی ازکشور های جهان

- عمودی :**
۱- نیمی از شمارفستیوال دوازدهم جوانان .
۲- ارزانترو بهتر ازمالجاست - یکی از پایتخت های زیبا در جهان .
۳- غایه و مرام - چوبی که با آن نوعی غذا تهیه میشود .
۴- مرحله زمانی درهنگز .
۵- یکی از ولسوالی ها درغرب کشور - یکنوع مو تر ساخت بلغاریا .
۶- یگانه .
۷- در بیابان هامی روید-ساغر .
۸- مثل ومانند - بزرگتر از ولسوالی - جمع دونفر .
۹- خالی - پیشوند - کلمه را آنطورمی سازند .
۱۰- نوعی از موسیقی - تکرر یا سپید .
۱۱- یکی از قبر مانسان شکسپیر بایک حرف کم - زمین لامزدروع .

۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱										
۲										
۳										
۴										
۵										
۶										
۷										
۸										
۹										
۱۰										

ماجرای های دن کیشوت

-۵-

نبرد باره گوسپندان



دن کیشوت جیغ زد ((نه ، نه ، من این لشکر های مهاجم را خوب میشناسم که برای نابودی اینای بشر به راه افتیده اند . بیا اگر بساور نمانی از بالای تپه نگاه کن .
هر دو بر تپه بالا شدند . دن کیشوت نمره زنان بایابوی خود به سوی رمه گو سپندان یورش برد و شکم چند گو سپند را با نیزه اش درید . چو پان ها زود به حالش رسیدند و با پر تاب سنگ دن کیشوت مهاجم را به زمین زدند ، یکی از سنگها بر دهن دن کیشوت خورد و چند دندان نشرا ازدهانش بیرون انداخت سانکو پانزا در حالی که تبسم تلخی بر لبها داشت

گفت ((حال که بی دندان شدی بسیار محزون و نکبت به نظر می رسی))
دن کیشوت متحیر گفت «فرقی نمی کند . من هم خود را شوالیه محزون مینامم»
روزی دیگر دن کیشوت و سانکو پانزا بار دیگر رحل سفر بر بستند . راه زیادی را پیمودند به یکباره گسی چشم دن کیشوت به شخصی خورد که شتابان به سوی آنها در حرکت بود . دن کیشوت شخصی مذکور را شوالیه فکر کرد و باصدای بلند به یار کپشش گفت ((نگاه کن ! او نه شوالیه . شوالیه که کلاه طلایی به سر گذاشته بر آسب خاکستری سوار است))
سانکو لیخند زنان پا سخ داد ((آن شخص شوالیه نیست وبرالاغ سوار است))
دن کیشوت بافریاد همیشه گی بانک زد ((نه ، نه کلاهی را که شوالیه پوشیده است همان کلاه طلایی و سحر آمیز ما میبزنو است ، من باید کلاه را از نزدش بگیرم))
سانکو با خود گفت ((دن کیشوت بیچاره دچار جنون شده است . یک سلما نی را

شوالیه فکر می کند ، وکاسه برنجی را که به علت باران بر سر گذاشته است کلاه طلایی تصور می کند))
دن کیشوت ، پنداری پلنگی شکاری را یافته باشد ، ناگهانی به سوی سلما نی هجوم برد . سلما نی از الاغش پا بپین شد ، و به دویدن پرداخت . دن کیشوت غالب که احساس غرور بر چهره کوفته شده و محزونش موج میزد ، کاسه برنجی را بر داشت و بر سرش گذاشت و سانکو خنده گبان بدان



افزود « اما بسیار کلان است . هر دو باز به راه افتیدند . چند میل راه را نه پیموده بودند که جمعیتی پیشروی چشم آنها را گرفت . آنها زندانیانی بودند که بوسیله افراد مسلح به سبست نامعلومی برده میشدند . زندانی ها به

وسيله زنجیر باهم وصل شده بودند دن کیشوت وقتی ایسن صحنه اسف انگیز را دید ، بافریاد کشیده « این زندانیان را می برند و از آنها درگشتی ها به حیث برده ها کار می گیرند . من باید این زندانیان بیچاره را نجات بدهم . بلی این وظیفه و رسالت من است . من برای همین آفریده شده ام))
دن کیشوت بر ق آسایر محافظین تفنگدار حمله ور شد . زندانیان زنجیر ها را شکستادند و محافظین از هیبت دن کیشوت رو به فرار گزاشتند .
دن کیشوت کامیاب و مغرور ناکهانی زندانیان آزاد شده را مخاطب نمود و با صدای کرکننده فریاد زد « برادران ! اکنون بروید و به دو لسینا ی زیبا بگویید که دن کیشوت شجاع ترین شوالیه جهان است .
زندانیان ازین حرفها ی دن کیشوت متحیر شدند و همه یکصدا گفتند « بیچاره ، مغر از سرش فرار کرده و بکلی دیوانه شده است .))
زندانیان آزاد شده در حالی که دهن های تماشا ن برای خنده و استهزاء تس



نتوانست از جایش بر خیزد . روز بعد دن کیشوت سانکو هر دو باز به سفر ادا مه دادند و چندین حادثه برای یکی از شب ها الاغ سانکو را زدند . این ماجرا دن کیشوت را بسیار غضبناک ساخت . دن کیشوت اینسو و آنسو میتاخت و بیهم چیغ می زد « آهای . الاغ مرا بپارید . در هیچ کج دنیا نمیتوانید از چنین در امان باشید . من برای پاک کردن دنیا از وجود ناپاک شما کمر بسته ام . دنیا له را در دق الباب آینده بخوانید .